

حقوق بشردوستانه و کاربرد سلاح‌های انفجاری متعارف در مناطق پرجمعیت

پوریا عسکری^۱

دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۵

چکیده

در مخاصمات مسلحانه کنونی، کاربرد تسلیحات انفجاری متعارف مانند بمب و موشک در مناطق پرجمعیت و مملوء از سکنه غیرنظامی به امری رایج بدل شده است. در نتیجه استفاده از این قبیل تسلیحات، غیرنظامیان و اموال آنان متحمل تلفات و صدمات مستقیم و غیرمستقیم گسترده‌ای می‌شوند؛ خساراتی که الزاماً همیشه با مزیت نظامی حاصل از حمله تناسبی ندارند. این مقاله، با بررسی مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه، به چالش کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت می‌پردازد و به جستجوی پاسخی برای این سؤال اصلی است که آیا به واقع می‌توان با توسل به مقررات فعلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، دستاویزی برای منع مطلق استفاده از سلاح‌های انفجاری متعارف در مناطق شهری و پرازدحام سراغ نمود؟

واژگان کلیدی: تسلیحات انفجاری متعارف، مناطق پرجمعیت، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه.

۱. مقدمه

از جمله خاطرات دهشتناک و اندوه بار مشترک میان نسل ما ایرانیان که دهه شصت خورشیدی را کم و بیش به یاد داریم، جنگ تحمیلی دولت بعث عراق علیه سرزمین عزیزمان ایران است؛ جنگی که به هیچ روی محدود به جبهه‌های جنگ و خط مقدم نبود بلکه شهرها و روستاهای کشورمان را نیز در بر می‌گرفت؛ تاجایی که بمباران و موشکباران شهر و دیارمان که منجر به کشتار گسترده شهروندان غیرنظامی و بی‌گناه و تخریب اماکن عمومی و خانه و کاشانه مردم می‌شد به پدیده‌ای روزمره بدل شده بود که با طنین دل‌خراش «آثریر قرمز» در یادمان باقی مانده است.

کاربرد بمب و موشک و به طور کلی تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت، پدیده‌ای مذموم و علی‌الظاهر موجب نقض بسیاری از قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که متأسفانه امروز به رسم مرسوم مخاصمات کنونی بدل شده و بسیاری از غیرنظامیان را به کام مرگ کشیده و اموال آنان و زیرساخت‌های شهری را به نابودی می‌کشاند. جنگ‌های امروزی، مانند آنچه در غزه، عراق، سوریه، یمن و ... شاهد آنیم آکنده از درد و رنج بی‌حد و حصر غیرنظامیانی است که عمداً یا سهواً آماج حملات سنگین با سلاح‌های انفجاری قرار می‌گیرند. سامانه‌های تسلیحاتی که در جنگ‌های مدرن به کار گرفته می‌شوند، عموماً دارای خصیصه تخریب‌گری و انهدام بالایی هستند و بنابراین کاربرد آنها علیه مناطق پرآزدحام، آثاری جز تباهی و نابودی غیرنظامیان و اموال آنان در پی ندارد. علاوه بر این، کاربرد این تسلیحات در مناطق پرجمعیت، به صورت غیرمستقیم نیز بر زندگی و سلامت جمعیت غیرنظامی اثرگذار است (Zeitoun and Talhami, 2016:58-67)؛ انهدام شبکه‌های آب، برق و فاضلاب موجب شیوع بیماری‌هایی مانند وبا که متأسفانه امروز در سطح وسیعی دامنگیر مردمان جنگ زده یمن شده^۱، قحطی، بی‌آبی، ... و در نهایت قتل عام غیرنظامیان و علی‌الخصوص کودکان، زنان، بیماران و سالخورده‌گان می‌شود؛ یا آنان را که توان و قوای بیشتری دارند مجبور به ترک دیار و گام نهادن در مسیری تاریک و نامعلوم می‌کند؛ مانند خیل عظیم سوری‌هایی که در سال‌های اخیر برای نجات جان خویش دل‌به‌دریا زده و آواره و پناهنده قاره اروپا شده‌اند و آینده‌ای نامعلوم را به انتظار نشسته‌اند.

1 See: ICRC, Yemen: Health system at breaking point as cholera spreads at unprecedented rate, 13 June 2017, <https://www.icrc.org/en/document/yemen-health-system-breaking-point-cholera-spreads-unprecedented-rate> (last visit: 20 August 2017).

آمار جدیدی که توسط شبکه بین‌المللی تسلیحات انفجاری ارائه شده، حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۵ تعداد ۴۳۷۸۶ نفر در نتیجه کاربرد این قبیل تسلیحات، جان خود را از دست داده‌اند که از این میان ۷۶٪ غیرنظامی بوده‌اند و آنگاه که حملات در مناطق پرجمعیت اتفاق افتاده، آمار تلفات غیرنظامیان به ۹۲٪ افزون شده است.^۱ حسب اطلاعات ارائه شده توسط این شبکه بین‌المللی، آمار تلفات و جراحات غیرنظامیان در اثر استفاده از تسلیحات انفجاری در سال ۲۰۱۵، به نسبت آمار سال ۲۰۱۱، ۵۴٪ رشد داشته (1: AOAV, 2016) که به طور خاص ناشی از کشته شدن غیرنظامیان در درگیری‌های نظامی در یمن، سوریه، عراق، نیجریه و افغانستان بوده است (4: Ibid). در قیاس با سال ۲۰۱۴، در سال ۲۰۱۵ کشتار غیرنظامیان توسط تسلیحات انفجاری در یمن ۱۲۰۴٪، در سوریه ۳۹٪ و در نیجریه ۲۲٪ افزایش یافته است (Ibid). در میان اطلاعات ارائه شده توسط این شبکه بین‌المللی، این نکته نیز قابل توجه است که بیشترین تلفات غیرنظامیان، نه به دلیل حملات هوایی و زمینی بلکه در اثر وقوع حملات انتحاری بوده که تنها در سال ۲۰۱۵، تعداد ۹۲۰۵ غیرنظامی را در قالب ۲۵۳ حمله در ۶۴ نقطه جهان به کام مرگ کشیده است (3-4: Ibid). در این سال، تعداد ۱۲۳۶ حمله زمینی، هوایی و انتحاری به مناطق پرجمعیت صورت گرفته که حاصل آن، قتل و جرح ۹۲٪ غیرنظامیان بوده و این در حالی است که در نتیجه ۹۳۴ حمله‌ای که در همین سال به مناطق جنگی کم‌سکنه صورت گرفته، ۳۱٪ تلفات و صدمات متوجه غیرنظامیان شده است (5: Ibid).

این آمار و ارقام تکان دهنده موجب شده‌اند که سازمان‌های بین‌المللی از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان ملل متحد نسبت به وضعیت اسف بار ناشی از کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرآزدحام اعلام هشدار نمایند. دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۱۶ خود در خصوص حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، باردیگر در این خصوص ابراز نگرانی شدید نموده و از همه طرفهای درگیری‌های مسلحانه خواسته است تا از کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت خودداری کنند (28: para. S/2016/447, 2016). دبیرکل، همچنین از دول عضو ملل خواسته است تا در مورد آثار سوء کاربرد اینگونه تسلیحات در مناطق پرجمعیت، اطلاع‌رسانی بیشتری انجام دهند و در قالب یک اعلامیه سیاسی در اینباره اتخاذ موضع نمایند^۲ (67: para. Ibid).

1 International Network on Explosive Weapons (INEW), <http://www.inew.org/learn-more-about-inew#inew-member-material> (last visit: 8 August 2016).

۲ کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پر جمعیت از جمله موارد نگرانی نهادهای گوناگون ملل متحد است. بیش از همه، دبیرکل ملل متحد نسبت به این مساله حساسیت نشان داده است. برای مثال، دبیرکل در گزارش سال ۲۰۱۶ خود در خصوص

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز در گزارشی که تحت عنوان «حقوق بین‌الملل بشردوستانه و چالش‌های مخاصمات مسلحانه معاصر»، به اجلاس سی و دوم نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در سال ۲۰۱۵ ارائه نمود، بر تعهدات طرفین متخاصم اعم از دولتی و غیردولت در حمایت از جمعیت غیرنظامی تأکید نمود و خواستار عدم استفاده متخاصمین از سلاح‌های انفجاری در مناطق پرجمعیت شد (32IC/15/11, 2015: 47-53).

آنچه گفته شد، گواهی است از وجود چالشی تئوریک و عملی در مخاصمات مسلحانه کنونی در خصوص کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت و شهری؛ چالشی که دست‌مایه نگارش این مقاله قرار گرفته است. در پاسخ به این چالش، باید ابتدا به مقررات بنیادین حقوق بین‌المللی بشردوستانه نظر نمود. اصل تفکیک، از مجموعه اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، هرگونه حمله مستقیم و عمدی علیه جمعیت غیرنظامی را منع می‌کند؛ ولی در عین حال به موجب اصل تناسب، تلفات جانبی و تصادفی غیرنظامیان و اموال غیرنظامی که در نتیجه حمله به اهداف نظامی رخ می‌دهند، تا آنجا که با مزیت قطعی نظامی حاصل از حمله متناسب باشند، مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. حال باید دید، آیا می‌توان با تمسک به این اصول، مانعی هنجاری در کاربرد تسلیحات انفجاری متعارف در مناطق پرجمعیت سراغ نمود؟

در ادامه، ابتدا گذاری خواهیم داشت بر مفاهیم «مناطق پرجمعیت» و «تسلیحات انفجاری» و آنگاه با استناد به مقررات و موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تعهدات و محدودیت‌های طرفین درگیر در کاربرد این قبیل تسلیحات در مناطق شهری و پرازدحام را به بحث خواهیم گذاشت.

۲. ترمینولوژی بحث

از نقطه نظر حقوق خلع سلاح و کنترل تسلیحات، «تسلیحات انفجاری یا منفجرشونده» شامل آن دسته از سلاح‌هایی هستند که به واسطه قوه انفجار، موجب صدمه و تخریب می‌شوند (Ibid).

کودکان و مخاصمات مسلحانه، به تخریب مدارس در اثر کاربرد این تسلیحات در مناطق پرجمعیت اشاره کرده و از طرفین درگیر خواسته است تا از استفاده از این تسلیحات در این مناطق پرهیز کنند (A/70/836-S/2016/360: 2016: paras. 7 and 217). همچنین، آقای بان کی مون در گزارشی که در ماه فوریه سال ۲۰۱۶ برای اجلاس جهانی بشردوستانه تهیه کرده بود، به این مساله به عنوان یکی از دغدغه‌های بشردوستانه در مخاصمات معاصر اشاره نموده است (A/70/709, 2016: paras. 47, 52-53 and the annex). یونیسف نیز در گزارشی در سال ۲۰۱۶ با عنوان مراقبت از کودکان در شرایط بحرانی، به کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت پرداخته و این معضل را از جمله مسایل بنیادین بشردوستانه کنونی تلقی نموده است (unicef, 2016: 3, 8, 13-14). دفترهماهنگی‌های بشردوستانه سازمان ملل نیز همچنین، در گزارش خود در سال ۲۰۱۵، خواستار اقدام بین‌المللی در این باره شده است (UNOCHA, 2015: 1-2). برای مطالعه بیشتر، نک: <http://www.inew.org/learn-more-about-inew#inew-member-material> (last visit: 2 August 2016).

49). این تسلیحات، چنانچه در مناطق پرجمعیت به کار برده شوند، آثار محیطی مخرب گسترده‌ای را از خود به جای می‌گذارند، زیرا شعاع انفجار وسیعی دارند (به ویژه در مورد بمب‌های بزرگ، خمپاره‌های با کالیبر بالا، راکت‌ها، موشک‌ها و پرتاب شونده‌های بزرگ و سنگین)؛ از درجه دقت بالایی در هدف‌گیری برخوردار نیستند؛ و معمولاً از وسایلی برای پرتاب یا شلیک آنها استفاده می‌شود که تسلیحات انفجاری را در حجم بالا و سرعت زیاد شلیک می‌کنند (ICRC Expert Meeting Report, 2015: 9).

علاوه بر اینها، باید «وسایل تعبیه شده برای انفجار»^{*} را نیز به این فهرست اضافه نمود که شامل انواع گوناگونی از جمله وسایل نقلیه بمب‌گذاری شده می‌شوند و چنانچه دارای آثار فوق‌الاشاره باشند، در زمره تسلیحاتی قرار می‌گیرند که موضوع بحث ما در این نوشتار خواهند بود. شایان ذکر است که تمرکز بحث ما اصولاً بر سلاح‌های انفجاری متعارف است و تسلیحات انفجاری ممنوعه از قبیل بمب‌های خوشه‌ای و مین‌های ضد نفر را که کاربرد آنها در معاهدات بین‌المللی مجزایی مورد بحث قرار گرفته شامل نمی‌شود.^۱

منظور از «مناطق پرجمعیت یا پرآزدحام»، اشاره به هر نقطه تمرکز و ازدحام دائمی یا موقت غیرنظامیان اعم از شهرها، روستاها، دهات و نیز اردوگاه‌های اسکان آوارگان و پناهندگان است (ICRC Factsheet, 2016: 1).

شایسته است این نکته مورد توجه قرار گیرد که دایره بحث در این نوشتار، محدود به شرایط

^{*} *Improvised Explosive Devices (IEDs)*.

۱ حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق خلع سلاح، قواعد متکثر و مفصلی را در خصوص تسلیحات و کاربرد آنها از دیرباز در خود جای داده‌اند و به طور کلی می‌توان از مجموعه این قواعد این‌طور استنباط نمود که سلاح‌ها به چهار قسم کلی تقسیم می‌شوند: الف. سلاح‌های ممنوعه مانند سلاح‌های شیمیایی، سلاح‌های بیولوژیک، مین‌های ضد نفر، سلاح‌های خوشه‌ای و...؛ برخی از این ممنوعیت‌ها علاوه بر جنبه معاهده‌ای حائز ویژگی عرفی نیز هستند و لذا ممنوعیت کاربرد آنها محدود به اعضای معاهدات نمی‌شود و برخی دیگر چون فاقد خصیصه عرفی هستند، صرفاً در خصوص اعضای معاهداتی از قبیل کنوانسیون اوتاوا یا کنوانسیون سلاح‌های خوشه‌ای قابلیت اعمال دارند؛ ب. سلاح‌هایی که کاربرد آنها محدود شده است مانند سلاح‌های آتش‌زا یا مین‌های زمینی که وفق پروتکل‌های کنوانسیون سلاح‌های متعارف برای کاربرد آنها، محدودیت‌هایی وضع شده است و اغلب این محدودیت‌ها جنبه عرفی دارند؛ ج. سلاح‌های متعارف و مجاز مانند مجموعه تسلیحاتی که در معاهده ۲۰۱۳ تجارت اسلحه مورد توجه قرار گرفته‌اند و علاوه بر سلاح‌های کوچک و سبک، شامل جنگ‌افزارهایی از قبیل موشک، تانک و... می‌شود؛ و د. سلاح‌های جدید که یا هنوز از وجود آنها اطلاعی در دست نیست یا اینکه جزییات مربوط به کاربرد آنها در محافل حقوقی به اندازه کافی تبیین نشده است؛ سلاح‌های روباتیک و خودکار از جمله این تسلیحات به شمار می‌آیند که در هر صورت تابع مقررات ماده ۳۶ پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو هستند. برای مطالعه بیشتر در خصوص مقررات حاکم بر این چهار قسم تسلیحات، نک: عسکری، پوریا (۱۳۸۸)، کنترل و محدودسازی تسلیحات از منظر حقوق بشردوستانه، مجموعه مقالات همایش ملی چشم‌انداز خلع سلاح و کنترل تسلیحات، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، صص. ۶۳-۶۸.

مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی است و سایر شرایط خشونت بار «غیر از مخاصمه» و از جمله حملات تروریستی و انتحاری که در شرایطی غیر از شرایط جنگی رخ می‌دهند، از حوزه این گفتمان خارج‌اند. علاوه بر این، همانطور که در مقدمه بیان شد حملات مستقیم علیه غیرنظامیان که به موجب اصل تفکیک، بدون هیچ قید و استثنایی ممنوع اعلام شده‌اند از محدوده بحث ما در این مقاله خارج هستند؛ ولذا چالش اصلی که در مبحث ذیل به آن خواهیم پرداخت، اعمال مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر حملات با تسلیحات انفجاری متعارف علیه اهداف نظامی است که در مناطق پرجمعیت و از جمله در شهرهای مملو از سکنه غیرنظامی واقع شده‌اند.

۳. محدودیت‌های حقوقی

در این مبحث، ما هم‌راستا با دبیر کل ملل متحد و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در جستجوی راهکاری هستیم که وفق آن کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت در مخاصمات مسلحانه به حداقل کاهش یابد. در جنگ‌های کنونی مانند آنچه در سوریه، عراق، یمن و ... در جریان است، دامنه جنگ به شهرها و محل زندگی و اقامت غیرنظامیان کشیده شده و بسیار دیده می‌شود که نظامیان و جنگجویان دشمن و همچنین تسلیحات و ذاقه‌های مهمات ایشان در اماکن غیرنظامی و محل استقرار غیرنظامیان قرار گرفته است. تردیدی نیست که قرار گرفتن اهداف نظامی در میان جمعیت غیرنظامی، ماهیت این اهداف را تغییر نمی‌دهد و قطعاً طرف مخاصمه می‌تواند اهداف نظامی اعم از رزمندگان، پیکارجویان و جنگ افزارها را مورد اصابت قرار دهد. همچنین تردیدی نداریم که کاربرد تسلیحات انفجاری به استثنای آن مواردی که به موجب برخی از معاهدات بین‌المللی ممنوع اعلام شده‌اند، برای مقابله با دشمن و انهدام اهداف نظامی متعلق به دشمن مجاز است. از سویی دیگر، پر واضح است که استفاده از تسلیحات انفجاری علیه اهداف نظامی مستقر در اماکن استقرار غیرنظامیان، موجب ایراد صدمه گسترده به آنان و اموال ایشان خواهد شد. حال سؤال اینجاست که آیا وفق قواعد و مقررات فعلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قرار داشتن اهداف نظامی در مناطق پرجمعیت، موجب ایجاد محدودیت‌هایی در کاربرد سلاح-های انفجاری متعارف و مجاز خواهد بود یا باید طرحی نو در انداخت و در صدد وضع مقررات جدیدی بود تا مانع «به آتش کشیده شدن قیصریه‌ای برای یک دستمال» شد؟

برای پاسخ به این پرسش، به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حملات بدون تفکیک، تناسب در حمله، احتیاط در حمله و کاربرد سپر غیرنظامی برای اهداف نظامی نظر می‌افکنیم:

الف. کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت و ممنوعیت حملات کورکورانه و بدون تفکیک

ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، در بند (۱) قاعده کلی مربوط به حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه را بیان می‌کند و مقرر می‌دارد: «سکنه غیرنظامی و افراد غیرنظامی از حمایت کلی در برابر خطرات ناشی از عملیات نظامی برخوردار خواهد شد...». بند (۴) این ماده در راستای حمایت کلی اشاره شده در بند (۱)، حملات کورکورانه و بدون تفکیک را به صورت مطلق منع می‌کند؛ ممنوعیتی که به موجب مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شامل هر دو نوع مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی است (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۱۰۹). این قاعده، به سال ۱۹۲۳ و قواعد لاهه مربوط به جنگ هوایی بر می‌گردد (The Hague Rules, 1923: art. 24(3)) که مجدداً در پیش نویس ۱۹۳۸ کنوانسیون حمایت از جمعیت غیرنظامی مورد توجه قرار گرفت (Amsterdam Draft Convention, 1938: art. 5(2)). در این اسناد، بمباران هوایی اهداف نظامی دشمن که انهدام آنها به جز از طریق آتش گشودن بدون تفکیک علیه غیرنظامیان ناممکن باشد، ممنوع اعلام شده بود. البته، اسناد مورد اشاره هرگز در قالب یک معاهده بین‌المللی به تصویب دولت‌ها نرسیدند و در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ نیز ذکری از این قاعده به میان نیامد تا آنکه سرانجام با تصویب پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، جامعه بین‌المللی شرمساری خود را از فجایع رخ داده در جنگ‌های جهانی و درگیری‌های متعاقب آن، با تصویب ممنوعیت مطلق حملات کورکورانه به منصفه ظهور رساند (Sandoz and others, 1987: commentary on art 51(4), para. 1946). جالب توجه است که در کنفرانس دیپلماتیک منجر به تصویب پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، فرانسه علیه ماده ۵۱ پروتکل اول رای داد زیرا معتقد بود که بند (۴) این ماده، به خاطر پیچیدگی خود به طور جدی به اجرای عملیات دفاع نظامی در برابر مهاجم لطمه وارد کرده و به حق ذاتی دفاع مشروع که در ماده ۵۱ منشور ملل متحد آمده است، خدشه وارد می‌کند (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۱۰۹). همچنین باید دانست که ممنوعیت حملات کورکورانه در پیش-

نویس پروتکل دوم الحاقی مربوط به مخاصمات مسلحانه غیر بین-المللی نیز پیش‌بینی شده بود اما در آخرین لحظات با هدف تصویب متنی ساده‌تر حذف شد (همان: ۱۱۱). اما به هر حال، همانطور که اشاره شد، این قاعده امروز از جمله قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود و به عنوان یک قاعده عرفی در همه اقسام درگیری‌های مسلحانه برای طرفین نبرد الزام آور است.

قاعده منع حملات کورکورانه، نشأت گرفته از اصل بنیادین تفکیک است که به موجب آن طرف‌های مخاصمات مسلحانه باید همواره بین سکنه غیرنظامی و نظامیان و بین اموال غیرنظامی و اهداف نظامی تفکیک قائل شده و عملیات خود را فقط متوجه اهداف نظامی نمایند. ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی در بند (۴)، مقرر می‌دارد حملات کورکورانه عبارتند از: حمله‌هایی که علیه یک هدف نظامی به خصوص صورت نگیرد؛ حملاتی که با استفاده از روش‌ها یا جنگ افزارهایی صورت پذیرد که نتوان آنها را علیه یک هدف نظامی به خصوص به کار گرفت؛ و حملاتی که در آنها از روش‌ها و وسایل جنگی‌ای استفاده می‌شود که آثار آن را نمی‌توان طبق مقررات پروتکل محدود ساخت؛ و در نتیجه در هر یک از این موارد، این حملات از نوعی است که اهداف نظامی و افراد یا اموال غیرنظامی را بدون تفکیک از یکدیگر مورد اصابت قرار می‌دهند. بند (۵) ماده ۵۱ به دو مورد خاص از حملات کورکورانه اشاره دارد: حمله از طریق بمباران با هر روش و وسیله‌ای که تعدادی هدف نظامی مشخص مجزا درون یک شهر یا ناحیه دیگری را که تجمعی از افراد و اموال غیرنظامی را در خود جای داده است، به عنوان یک هدف نظامی واحد قلمداد می‌کند؛ و حمله‌ای که انتظار می‌رود به طور اتفاقی موجب صدمه جانی به افراد غیرنظامی، مجروح شدن آنها و وارد آمدن خسارت به اموال غیرنظامی یا مجموعه‌ای از آنها گردد که نسبت به مزیت نظامی مشخص و مستقیمی که در مورد آن حمله پیش‌بینی شده است، افزون باشد. باید توجه نمود که مقررات پروتکل به هیچ روی صرفاً ناظر بر تسلیحاتی نیست که به طور ذاتی و بنا بر ماهیت خود بدون تفکیک عمل می‌کنند زیرا کاربرد این تسلیحات اصولاً در موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه منع شده است (هنکرتز و دوسوالدبک: ۳۷۴) و لذا باید حکم کلی مقرر در ماده ۵۱ پروتکل را شامل همه گونه سلاح‌های متعارف و مجاز و از جمله تسلیحات انفجاری دانست که کاربرد آنها علیه اهداف نظامی دشمن در جنگ‌های کلاسیک بلامانع است ولی استفاده از آنها در مناطق پرجمعیت و دارای سکنه غیرنظامی می‌تواند به موجب حکم کلی

مقرر در ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی منع شده باشد که در هر مورد، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر صحنه نبرد باید اتخاذ تصمیم نمود (Gisel, 2015: 103-105).

از بعد از زمان تصویب پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، ممنوعیت حملات کورکورانه، صرفاً در پروتکل دوم اصلاحی کنوانسیون سلاح‌های متعارف تکرار شده (ماده ۳(۸) اصلاحی ۱۹۹۶) و مایه شگفتی است که در هیچ یک از اساسنامه‌های مراجع کیفری بین‌المللی به این ممنوعیت اشاره‌ای نشده است. البته دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، در آراء خود حملات کورکورانه را مانند حمله مستقیم علیه غیرنظامیان و به مثابه جنایت جنگی قلمداد نموده است (ICTY, Martić Case, 2007: para.69 and Galic Case, 2003, para. 57). در مورد دیوان بین‌المللی کیفری، همان‌طور که کنوت دورمن رئیس بخش حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌گوید، می‌توان از جزء (۱) قسمت (ب) بند (۲) ماده ۸ اساسنامه رم که به حمله عمدی و مستقیم علیه جمعیت غیرنظامی می‌پردازد نیز اینگونه برداشت کرد که این جنایت محدود به حمله مستقیم به غیرنظامیان نبوده بلکه اساسنامه مشتمل بر حملاتی است که هدف از آنها، اهداف معین نظامی یا رزمندگان نیست و علاوه بر این، شامل حملاتی نیز می‌شود که در آنها جنگ افزارهای بدون تفکیک استفاده می‌شوند (دورمن، ۱۳۹۳: ۱۹۷). این دیدگاه، دقیقاً مشابه نقطه نظر دیوان بین‌المللی دادگستری است که در سال ۱۹۹۶ در نظریه مشورتی در خصوص مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای بیان داشت که به دلیل ممنوعیت حمله به غیرنظامیان، دولت‌ها نباید هرگز از سلاح‌هایی استفاده کنند که عاجز از تفکیک بین غیرنظامیان و اهداف نظامی هستند (ICJ Advisory Opinion, 1996: para. 78).

سؤال اساسی که در این میان مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان با توجه به فجایعی که در جنگ‌های اخیر در نتیجه کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت به وقوع پیوسته است و با استناد به حکم کلی مصرح در ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول و قاعده ۱۱ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بیان داشت که کاربرد سلاح‌های انفجاری در مناطق پرآزدحام، اصولاً مغایر با موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و بنابراین ممنوع است؟

دبیر کل ملل متحد، اولین گام در این مسیر دشوار را برداشته و در گزارش سال ۲۰۱۲ خود در خصوص حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بیان داشته است که تسلیحات انفجاری در شعاع انفجاری که از خود به جا می‌گذارند بدون تفکیک عمل می‌کنند (S/2012/376, 2012).

para. 35)؛ موضعی که اگر بنا باشد شامل همه انواع تسلیحات انفجاری شود از حمایت چندانی در دکتترین برخوردار نیست (Brehm, 2014: 251). زیرا گفته شده می‌توان با بالا بردن دقت سلاح این نقیصه مورد اشاره دبیر کل ملل متحد را مرتفع نمود^۱.

اما به واقع باید پرسید که چه معیاری برای تشخیص دقت سلاح و آثار انفجار آن در مناطق پر ازدحام قابل ارائه است؟ آیا درست‌تر آن نیست که به عنوان قانونگذار یا مفسر قانون، به جای آنکه به پیشرفت فناوری‌های تسلیحاتی و افزایش دقت تسلیحات انفجاری متعارف امید داشته باشیم، با استناد به اصل رکن حمایت از غیرنظامیان و قربانیان مخاصمات مسلحانه و توجه به اینکه سلاح‌های انفجاری هرچند هم که از حیث فناوری به روزرسانی شوند، همواره می‌توانند خطر «بالتقوه‌ای» را در مناطق پرجمعیت برای غیرنظامیان ایجاد کنند، بر حرمت کاربرد آنها در مناطق پر جمعیت اصرار ورزیم؟ (Cross and others, 2016).

نکته دیگری که در اینجا مورد اشاره باید قرار گیرد، تفاوت بارز میان جنگ‌های کلاسیک و مخاصمات کنونی است؛ در مخاصمات کلاسیک که معاهدات چهارگانه ژنو و حتی پروتکل‌های الحاقی بیشتر با توجه به ویژگی‌های این قبیل مخاصمات تنظیم شده بودند، به دلیل مشخص بودن منطقه جنگی و فاصله آن با مناطق شهری، عملاً مراعات اصل تفکیک برای طرفین متخاصم چندان مشکل به نظر نمی‌رسید مگر آنکه یک طرف متخاصم مانند آنچه در بمباران شهرهای ایران توسط ارتش بعث عراق صورت گرفت، تمایل داشت تا با ارتکاب نقض فاحش مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حمله به مناطق پرجمعیت، آگاهانه و عامدانه به کشتار غیرنظامیان و تخریب اموال غیرنظامی مبادرت کند. به بیان دیگر، در جنگ‌های کلاسیک، عدم رعایت اصل تفکیک عملاً با قصد و نیت قبلی صورت می‌گرفت ولی در جنگ‌های نوین که عموماً در زمره جنگ‌های نامتقارن نیز قرار دارند و خط مقدم نبرد و منطقه جنگی با مناطق اسکان غیرنظامیان درهم آمیخته مانند وضعیت امروز سوریه، یمن، عراق و افغانستان دیگر نمی‌توان با توسل به دیدگاه‌های کلاسیک، براین باور بود که متخاصمان می‌توانند در هر صورت از کاهش آثار سوء کاربرد سلاح‌های انفجاری خود علیه غیرنظامیان اطمینان حاصل کنند^۲ و لذا ضرورت دارد با

۱ برای مطالعه بیشتر، نک: زمانی، سیدقاسم و رفیعی، سیدرضا (۱۳۹۲)، کاربرد سلاح‌های حاوی اورانیوم ضعیف شده از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، صص ۳۵-۶۰.

۲ گزارش سال ۲۰۱۶ بانک جهانی حاکی از آن است که برای بازسازی شهرهای یمن حدود ۱۵ میلیارد دلار و شهرهای سوریه بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار بودجه نیاز است. شهرهایی که عمدتاً با استفاده از تسلیحات انفجاری به نابودی کشیده شده‌اند. البته اینها صدمات قابل جبران جنگ است و باید در یک تحلیل دقیق، میزان کشتار و جراحت غیرنظامیان، نابودی اموال تاریخی و فرهنگی و ... را نیز به فهرست مضرات کاربرد تسلیحات انفجاری اضافه نمود که غیرقابل جبران است. نک:

توجه به اثرات مخرب کاربرد این تسلیحات در جنگ‌های جدید، دیدگاه مضیق‌تری در خصوص جواز استفاده از این جنگ افزارها مدنظر قرار گیرد (Evans, 2016:51).

ب. کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت و اصل تناسب در حمله

اصل تناسب در زمره اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار دارد که با توسل به آن می‌توان به تعادلی منطقی میان الزامات بشردوستانه و ضرورت‌های نظامی دست یافت. کاربرد اصل تناسب، سبب می‌شود که هیچ یک از ضرورت‌های نظامی و الزامات بشردوستانه به فراموشی سپرده نشوند. این اصل در هر حمله، فرماندهان نظامی را ملزم می‌سازد تا تلفات تصادفی و احتمالی غیرنظامیان و اموال غیرنظامی را در قیاس با مزیت نظامی حاصل از آن حمله مورد ارزیابی قرار دهند و چنانچه تلفات غیرنظامیان و اموال غیرنظامی را به نسبت مزیت نظامی حاصل از حمله، زیادی ارزیابی کنند باید به موجب ماده ۵۱(۵)(ب) پروتکل اول الحاقی و قاعده ۱۴ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه از شروع آن عملیات خودداری کنند. نکته بسیار مهمی که در تفسیر این اصل توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بیان شده این است که در محاسبه خسارات جانبی و احتمالی وارده به غیرنظامیان، علاوه بر خسارت‌های مستقیم باید صدمات تصادفی غیرمستقیم و از جمله آسیب به زیرساخت‌ها، بیمارستان‌ها، شبکه‌های آبرسانی، فاضلاب و برق‌رسانی و ... نیز مدنظر قرار گرفته شوند و مزیت نظامی حاصل از حمله باید متناسب با همه این صدمات و خسارت‌های جانبی مستقیم و غیرمستقیم مورد ارزیابی فرماندهان نظامی قرار گیرد (32IC/15/11, 2015: 52). در این تفسیر، مفهوم مضیق از صدمات غیرمستقیم به غیرنظامیان مدنظر است و صرفاً شامل آن دسته از صدمات و آسیب‌های غیرمستقیمی می‌شود که برای فرماندهان نظامی با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر صحنه نبرد قابل پیش‌بینی بوده- اند (Ibid)؛ البته نباید از نظر دور داشت که پیش‌بینی آثار مخرب غیرمستقیم کاربرد تسلیحات انفجاری حتی بدون در اختیار داشتن نقشه شهر و یا اطلاعات دقیق مربوط به زیرساخت‌ها چندان سخت نیست (Zeitoun and Talhami, op.cit:69). بنابراین، فرماندهان نظامی باید در کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت با در نظر گرفتن اصل تناسب به گونه‌ای عمل کنند که

Reported by Reuters, 17 August 2016, available at: www.reuters.com/article/us-yemen-security-damagesidUSKCN10R2B7 (Last visit: 12 August 2017); Transcript of World Bank Group President Jim Yong Kim's opening press conference, 14 April 2016, available at: www.worldbank.org/en/news/speech/2016/04/14/transcript-world-bank-group-presidentjim-yong-kim-opening-press-conference (Last visit: 12 August 2017).

مزیت نظامی حاصل از حمله خود را با صدمات آنی احتمالی و صدمات تصادفی غیرمستقیم قابل پیش‌بینی به غیرنظامیان، متناسب ارزیابی کنند. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، برای تشخیص مفهوم «صدمات غیرمستقیم قابل پیش‌بینی»، معیاری عینی و ابژکتیو به دست داده و به رفتار یک فرد معقول و مطلع در همان شرایط فرمانده نظامی ارجاع داده است (Galic Case: para. 58). در توجیه این تفسیر گفته شده است که در ماده ۵۱(ب) پروتکل اول الحاقی، برای تشخیص مزیت نظامی حاصل از حمله، قیود «مشخص*» و «مستقیم*» به کار رفته‌اند و این در حالی است که چنین قیودی برای ارزیابی صدمات و تلفات تصادفی غیرنظامیان و اموال غیرنظامی به چشم نمی‌خورند و بنابراین می‌توان این صدمات و تلفات را شامل آسیب‌های غیرمستقیم قابل پیش‌بینی نیز دانست تا از این رهگذر، حداکثر حمایت از جمعیت غیرنظامی با توجه به موضوع و هدف معاهدات حقوق بشر دوستانه به عمل آید (ICRC Expert Meeting Report, 2015: 21).

با ملاحظه آثار احتمالی کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرآزدحام، می‌توان «صدمات غیرمستقیم قابل پیش‌بینی» ناشی از استفاده از این تسلیحات را از چهار بعد مورد ارزیابی قرار داد: از بعد زمانی، به نظر می‌رسد که هیچ‌گونه ملازمه‌ای بین زمان حمله و آثار غیرمستقیم ناشی از حمله وجود ندارد؛ به این معنا که برخی از آثار غیرمستقیم و قابل پیش‌بینی ناشی از کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت ممکن است به طور طبیعی، ماه‌ها و یا حتی چند سال بعد ظاهر شوند و بنابراین ضرورتی ندارد که در تعریف صدمات غیرمستقیم قابل پیش‌بینی، عنصر زمان را دخیل بدانیم. از بعد مادی، حسب مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، آثار مادی ناشی از حمله شامل کشتار و جراحت غیرنظامیان و همچنین تخریب اموال غیرنظامی است؛ در تفسیر واژه «جراحت» گفته شده که این عبارت در بردارنده وضعیت بیماری نیز هست و به طور کلی هرگونه سلب حیات و بیماری و جراحت را که در نتیجه صدمه به اموال غیرنظامی و از جمله بیمارستان‌ها حادث شود، باید از آثار تبعی و غیرمستقیم حمله قلمداد نمود (Ibid). برای مثال، حمله به یک هدف نظامی را در نظر آورید که در مجاورت پست برق منطقه واقع شده که این پست تأمین‌کننده برق مراکز درمانی نیز به حساب می‌آید. در نتیجه این حمله، قابل پیش‌بینی است که سیستم برق‌رسانی به بیمارستان مختل خواهد شد و این امر سبب مرگ و صدمه غیرنظامیان بیمار و بستری در بیمارستان خواهد بود. وجه دیگری که باید در هر حمله با تسلیحات انفجاری به مناطق

* Concrete
** Direct

پرجمعیت مدنظر قرار گیرد، بعد تجربی و عینی حمله است که بر تجارب ناشی از حملات سابق و آثار مشهود آن حملات مبتنی است؛ این همان معیار مورد اشاره دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه Galic است که به یک فرد معقول و مطلع در شرایط برابر و اوضاع و احوال یکسان ارجاع داده است. شاید بهترین مثال در این مورد، وضعیت و تراکم جمعیت در باریکه اشغالی غزه باشد که علاوه بر فرماندهان ارتش اسرائیل، همه جهانیان به خوبی واقفند که در نتیجه محاصره این منطقه توسط قوای اسرائیلی، تراکم و تراجم جمعیت غیرنظامی در این منطقه بسیار بالاست و هر حمله‌ای به اهداف نظامی موجود در این منطقه، موجبات کشتار و جراحات فزاینده غیرنظامیان را فراهم می‌آورد.^۱ بعد چهارم، توجه به اصل احتیاط در حمله است که ذیلاً مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ج. کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت و اصل احتیاط در حمله

اصل احتیاط در حمله موضوع ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول، مانند اصول تفکیک و تناسب، از جمله اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه به حساب می‌آید و به هیچ روی جنبه توصیه‌ای و ارشادی ندارد؛ به عبارت بهتر، تعهد طرفین متخاصم در مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی در عمل و احترام به این اصل، بیشتر از آنکه تعهدی به وسیله باشد، تعهدی به نتیجه قلمداد شده است. با توجه به قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه (قواعد ۱۵ الی ۲۱) و ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ می‌توان گفت که تعهدات منبث از این اصل از جمله مهمترین عوامل بازدارنده در خصوص کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت به حساب می‌آیند. این اصل، احتیاطات چندلایه‌ای را در بر می‌گیرد که در مجموع، مفهوم احتیاط در حمله را به ذهن متبادر می‌سازند. یک قاعده کلی از اصل احتیاط منتج می‌شود که به موجب آن، در هر مخاصمه‌ای طرفین درگیر باید همه تدابیر احتیاطی قابل پیش‌بینی را به کار بندند تا تلفات تصادفی غیرنظامیان و خسارت به اموال غیرنظامی به حداقل برسد. در عمل به این تعهد، فرماندهان نظامی وظیفه دارند همه اطلاعات ممکن درباره هدف حمله از جمله اطلاعاتی را که مربوط به نقاط تمرکز افراد غیرنظامی و اموال غیرنظامی مهم است و نیز اطلاعات مربوط به فضای غیرنظامی پیرامون هدف نظامی مورد نظر را گردآوری نمایند (هنکرتز و دوسوالدبک: ۱۳۲) و با توجه به

۱ برای مطالعه بیشتر در این خصوص، گزارش کمیسیون مستقل تحقیق شورای حقوق بشر در مورد جنگ سال ۲۰۱۴ اسرائیل علیه نوار غزه را ملاحظه کنید: (A/HRC/29/CRP.4, 2015).

این اطلاعات و داده‌ها، هرگونه اقدام احتیاطی ممکن را در گزینش سلاح و روش‌های جنگی به منظور به حداقل رساندن تلفات و صدمات تصادفی غیرنظامیان و ایراد خسارت به اموال غیرنظامی به عمل آورند؛ چنانچه در نتیجه گردآوری اطلاعات از شرایط پیرامونی هدف نظامی یا آثار مخرب سلاح در نظر گرفته شده برای حمله مشخص و معلوم شود که حمله مورد نظر باعث تلفات جانی غیرنظامیان، ورود آسیب به غیرنظامیان، صدمه به اموال غیرنظامی یا ترکیبی از اینها می‌گردد که افزون بر مزیت نظامی عینی و مستقیم مورد انتظار از حمله است، باید تدابیر ممکن برای لغو یا تعلیق حمله (مثلاً برای تهیه تسلیحات متفاوت) به کار بسته شوند و به هیچ روی نمی‌توان استدلال مبنی بر در دسترس نبودن تسلیحات با دقت بالاتر را از فرماندهان نظامی جهت مغفول گذاشتن این تعهد، مورد پذیرش قرار داد (Robinson and Nohle, 2016:141).

باید توجه شود که ماده ۵۸ پروتکل الحاقی اول به اقدامات احتیاطی «طرف مدافع» در برابر اثرات حمله توجه داده و از جمله مقرر نموده است که طرف متخاصم مدافع باید تا سرحد امکان سکنه و اموال غیرنظامی را از نزدیکی اهداف نظامی دور کند (بند الف)؛ از قرار دادن هدف‌های نظامی در مناطق پرجمعیت خودداری نماید (بند ب) و سایر اقدامات احتیاطی لازم را به منظور حمایت از غیرنظامیان و اموال غیرنظامی تحت کنترل خود در برابر خطرهای ناشی از عملیات نظامی اتخاذ نماید. ماده ۵۸ جنبه تکمیل کننده حمایت‌های مورد اشاره در ماده ۵۷ را دارد و عدم رعایت تعهدات وفق ماده ۵۸ توسط طرف مدافع، طرف متخاصم حمله کننده را از عمل به تعهدات ماده ۵۷ معاف نمی‌کند (Jensen, 2016:155-156).

د. مزیت نظامی حاصل از حمله با تسلیحات انفجاری به مناطق پرجمعیت

با توجه به مطالب اشاره شده در بالا می‌توان نتیجه گرفت که کارکرد دو اصل بنیادین تناسب و احتیاط در حمله، با عنایت به دو متغیر صدمات و تلفات تصادفی غیرنظامیان و مزیت نظامی حاصل از حمله تعیین می‌شود. پیش‌تر در مورد متغیر نخست یعنی صدمات و تلفات احتمالی و تصادفی غیرنظامیان و شمول آن بر تلفات و صدمات غیرمستقیم ناشی از حمله، توضیحاتی داده شد^۱ و در اینجا ضرورت دارد تا مفهوم مزیت نظامی را مورد مذاقه و توجه بیشتر قرار دهیم.

۱ برای مطالعه بیشتر، نک:

Durhin, Nathalie (2016), "Protecting Civilians in Urban Areas: A Military Perspective on the Application of International Humanitarian Law", *International Review of the Red Cross*, Vol. 98, no. 901, pp. 177-201.

مفهوم «مزیت نظامی» که معمولاً مقید به دو قید «مشخص» و «مستقیم» است، در زمره مفاهیم رازآلود حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار می‌گیرد و با کمال تعجب باید اذعان نمود که این مفهوم با اینکه در اجرای دو اصل تناسب و احتیاط در حمله به کرات مورد استناد قرار گرفته است، آن طور که باید و شاید در ادبیات و دکترین حقوق بین‌الملل بشردوستانه مورد توجه نبوده است. برای فهم بهتر مفهوم مزیت نظامی در گام نخست باید به این نکته مهم اشاره نمود که معاهدات بین‌المللی حقوق بشردوستانه در کنه و ذات خود، حمایت از غیرنظامیان و اموال غیرنظامی را طلب می‌کنند و اگر در نهایت به منظور ایجاد تعادل میان ضرورت‌های نظامی و الزامات بشردوستانه، با توجه به اقتضانات و ضرورت‌های جنگی، در این معاهدات تلفات تصادفی و اتفاقی غیرنظامیان با توجه به مفهوم مزیت نظامی مورد پذیرش قرار گرفته، این مفهوم به هیچ روی نباید به صورت موسع در دکترین نظامی دولت‌ها مورد تفسیر قرار گیرد. همین منطبق توجیه‌کننده تفسیر مضیق از مفهوم «ضرورت نظامی» نیز هست. در این راستا، توجه به دو قید «مشخص» و «مستقیم» در تفسیر مضیق مفهوم «مزیت نظامی» حائز اهمیت است و لذا نباید در تفسیر این مفهوم، مزایای بالقوه، تبعی و یا نامشخص حاصل از حمله را نیز به حساب آورد (Sandoz and others, 1987: commentary on art 52(2), para. 2024). بعلاوه، در تفسیر مفهوم مزیت نظامی باید به صحنه کلی جنگ نیز نظر داشت؛ به این معنا که هرچند جنگ محدودتر و دارای ابعاد کوچک‌تری باشد، مفهوم مضیق‌تری از مزیت نظامی را باید مورد نظر قرار داد (Watkin, 2016: 346)؛ برای تشخیص این امر می‌توان به میزان خشونت به کار گرفته شده در مخاصمه و نیز محدوده جغرافیایی جنگ نظر نمود (Ibid: 347).

با توجه به آنچه گفته شد، از فرماندهان نظامی انتظار می‌رود تا از بسط مفاهیم مزیت نظامی و ضرورت نظامی خودداری کنند^۱ و در تعیین مصادیق این مفاهیم در هر حمله، از مشاورت مشاوران حقوقی کارآزموده بهره جویند و همواره در کاربرد سلاح‌های انفجاری در مناطق پرجمعیت، این مهم را مدنظر داشته باشند که عملیات آنها می‌تواند موجبات تلفات و صدمات زیاده از حد غیرنظامیان را به همراه داشته باشد که قطعاً سبب مسئولیت کیفری فرمانده نزد مراجع

۱ مطابق آنچه در خصوص اصل تناسب در بالا گفته شد، ضرورت نظامی می‌تواند بر مبنای اصل تناسب توجیه‌کننده تلفات تصادفی غیرنظامیان و اموال غیرنظامی اعم از تلفات مستقیم و غیرمستقیم باشد مشروط بر آنکه مزیت نظامی حاصل از حمله چنین امری را توجیه نماید. بنابراین شاید بتوان ضرورت نظامی را پیش شرط اثبات مزیت نظامی در نظر گرفت به این معنا که اگر ضرورت نظامی اقتضا نکند، قطعاً مزیت نظامی نمی‌تواند توجیه‌کننده تلفات تصادفی غیرنظامیان باشد؛ عکس این گفته اما الزاماً صادق نیست و نمی‌توان به صورت کلی وجود ضرورت نظامی را توجیه‌کننده رعایت اصل تناسب میان مزیت نظامی حاصل از حمله و تلفات تصادفی غیرنظامیان دانست. با توجه به این امر، تفسیر مضیق از این مفاهیم به فرماندهان نظامی توصیه شده است.

کیفری ملی و بین‌المللی خواهد شد (Strachan, 2013: 220).

هـ استفاده از سپر غیرنظامی یا عدم رعایت تدابیر احتیاطی در برابر آثار حمله

بدیهی است که اگر در هر مورد حمله با سلاح‌های انفجاری به مناطق پرجمعیت، از فرمانده‌ای که دستور این حمله را صادر کرده پرسیده شود که توجیه وی برای این اقدام چه بوده است، در پاسخ عنوان می‌کند که هدف حمله، نه غیرنظامیان و اموال غیرنظامی بلکه جنگجویان، رزمندگان، تروریست‌ها یا اهداف نظامی مستقر در آن منطقه بوده که چون هدف نظامی ارزشمند و مهمی قلمداد می‌شده‌اند، چشم‌پوشی از آنان ناممکن بوده و به همین دلیل، دستور حمله را علیرغم نگرانی در مورد سرنوشت غیرنظامیان مستقر در آن حوالی صادر نموده است. آنچه در این عبارات مستتر است، اصطلاحاً «انداختن توپ در زمین حریف» است که با قراردادن نظامیان و اموال جنگی خود در مناطق پرجمعیت، موجبات تلفات و خسارات جمیعت غیرنظامی را فراهم آورده است.

پرسش اینجاست که چنین استدلالی حتی چنانچه صحت و سقم آن مورد تأیید باشد تا چه میزان معتبر است؟ به عبارت دیگر، آیا استتکاف یک طرف درگیری از ایجاد تمایز میان جنگجویان خود و غیرنظامیان و یا عدم دور ساختن اماکن و اهداف نظامی از محل استقرار غیرنظامیان، می‌تواند دستمایه طرف دیگر متخاصم برای حمله با تسلیحات انفجاری به آن اهداف قرار گیرد؟ در پاسخ باید گفت که اولاً، حتی چنانچه استتکاف طرف مقابل عامدانه و آگاهانه باشد و نیت وی از عدم ایجاد تمایز میان شهروندان خود و یا غیرنظامیان تحت کنترل خود و اهداف و اماکن نظامی، استفاده از سپر غیرنظامی باشد، اصول فوق‌الاشاره احتیاط و تناسب در حمله و همچنین ممنوعیت مطلق حملات کورکورانه را نمی‌توان نادیده انگاشت و ثانیاً، همان طور که از مشروح مذاکرات کنفرانس دیپلماتیک منجر به تصویب پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ نیز بر می‌آید، دولت‌های مذاکره کننده بر این نظر بوده‌اند که در بسیاری از موارد، به صورت عملی به ویژه در مورد کشورهای کوچک با وسعت کمتر و جمعیت زیاد، امکان مراعات چنین تمایزی وجود ندارد (Bothe and others, 2013: 412-417) و دقیقاً به همین علت است که متن ماده ۵۸ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به نحوی تنظیم شده که در بردارنده تعهدی «به وسیله» برای طرفین متخاصم است و آنان باید «تا سرحد/امکان» سکنه، افراد و اموال غیرنظامی تحت کنترل خود را از نزدیکی هدف‌های نظامی دور کنند و از قرار دادن هدف‌های نظامی در مناطق پرجمعیت یا در

نزدیکی آنها خودداری نمایند.

ماده ۵۸ پروتکل، به همین شکل مشروط در قواعد ۲۲ الی ۲۴ عرفی مورد استخراج کمیته بین‌المللی صلیب سرخ قید شده و مراعات آن برای تمامی طرفین درگیری‌های بین‌المللی و غیر بین‌المللی «تا سرحد امکان» مورد توجه قرار گرفته است (هنکرتز و دوسوالدبک: ۱۴۹-۱۶۰). صلیب سرخ در شرح این قاعده به رویه دولت‌ها استناد کرده و بیان نموده است که این رویه نشان می‌دهد که اگر طرف دفاع‌کننده (منظور، طرف مورد حمله است)، تدابیر مقتضی احتیاطی را اتخاذ نکند یا عمداً افراد غیرنظامی را به عنوان سپر عملیات نظامی به کار گیرد، این اقدام مانع از آن نمی‌شود که طرف حمله‌کننده به هدف‌های نظامی حمله نکند؛ زیرا حمله‌کننده در همه حال ملزم به اتخاذ تدابیر احتیاطی لازم در جریان حمله است و حتی اگر دفاع‌کننده از مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه هم سرپیچی نماید، حمله‌کننده باید به اصل تناسب در حمله احترام گذارد (همان: ۱۵۳).

۴. نتیجه‌گیری

استفاده از سلاح‌های انفجاری علیه دشمن در مخاصمات مسلحانه، از جمله موارد رایج در جنگ‌های معاصر است که بیش و کم در دستور کار همه ارتش‌های منظم جهان و حتی برخی از گروه‌های مسلح غیردولتی نیز قرار دارد و شاید به همین دلیل هم باشد که کاربرد این قبیل تسلیحات به استثنای مین‌های ضدنفر و بمب‌های خوشه‌ای، هنوز با ممنوعیت مطلق در معاهدات بین‌المللی روبرو نشده و حتی در خصوص این دو مورد تسلیحات ممنوع اعلام شده نیز، ممنوعیت صرفاً متوجه اعضای معاهدات مربوطه است و جنبه عرفی ندارد.^۱

البته نباید از نظر دور داشت که اصولاً تسلیحات انفجاری متعارف مانند بمب‌ها و موشک‌ها و ... برای استفاده علیه قوای نظامی دشمن و علی‌الاصول در مناطق نظامی ساخته و تعبیه شده‌اند و از این روی کاربرد آنها در مناطق پرازدحام و دارای سکنه غیرنظامی می‌تواند همواره همانطور که اشاره شد، صدمات غیرقابل جبرانی را به جمعیت غیرنظامی وارد کند. شاید برخی از مفسران

۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ اوتاوا در مورد مین‌های ضدنفر، از اول مارس ۱۹۹۹ وارد مرحله اجرایی شده ولی صرفاً ۱۶۲ دولت با گذشت قریب به ۲۰ سال به این کنوانسیون ملحق شده‌اند. کنوانسیون ۲۰۰۸ مربوط به تسلیحات خوشه‌ای نیز که از تاریخ اول اوت ۲۰۱۰ لازم‌الاجرا شده، تنها دارای ۱۰۰ دولت عضو است. دولت جمهوری اسلامی ایران، به عضویت هیچ‌یک از این معاهدات بین‌المللی در نیامده است. برای مشاهده، اعضای معاهدات مرتبط با حقوق بشردوستانه و حقوق خلع سلاح، نک:

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، این گونه صدمات و تلفات غیرنظامیان را در قیاس با مزیت نظامی حاصل از حمله نادیده گرفته و یا کم رنگ جلوه دهند؛ ولی واقعیت این است که با توجه به آمار و ارقام ارائه شده در مقدمه بحث، میزان خسارات وارد شده به غیرنظامیان در نتیجه کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرزدحام تا آنجا فزونی یافته که حتی برخی از صاحب‌نظران بر ناکارآمدی قواعد فعلی حقوق بین‌المللی بشردوستانه در حمایت از قربانیان جنگ تأکید نموده‌اند. من نیز علیرغم آنکه معتقدم کاربرد تسلیحات انفجاری متعارف در مناطق پرجمعیت، به طور قطع در بسیاری از موارد همان طور که در مباحث پیشین اشاره شد مغایر اصول بنیادین حقوق بشردوستانه از جمله اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در حمله است، ولی با این عده هم نظر و اعتقاد دارم که صرف توسل به این اصول کلی نمی‌تواند به بهترین وجه و صورت ممکن ضامن حیات و سلامت غیرنظامیان در قبال استفاده از سلاح‌های انفجاری و به ویژه تسلیحاتی مانند بمب و موشک در مناطق پرجمعیت باشد؛ چراکه توسل به این اصول و تمرکز بر روش‌های جنگی ممنوعه از قبیل منع حملات کورکورانه، صرفاً جنبه موردی دارد و متضمن هیچ‌گونه ممنوعیت مطلق برای کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت نخواهد بود. حال آنکه، آنچه امروز مورد نیاز است منع مطلق و همه جانبه استفاده از تسلیحات انفجاری در مناطق پرزدحام و پرجمعیت است و صرفاً از این رهگذر است که می‌توان نسبت به تضمین هدف والای هنجارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه یعنی حمایت از قربانیان جنگ اطمینان حاصل نمود.

دستیابی به این مهم، مستلزم همدلی و همکاری بیشتر میان صاحب‌نظران و متخصصان امر و سازمان‌های بین‌المللی از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ سازمان ملل متحد است (Malcolm, 2016). خاصه آنکه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در هفتادمین دوره اجلاس خود در سال ۲۰۱۵، از آرمان‌های توسعه پایدار رونمایی کرده (A/RES/70/1, 2015) و با تمرکز بر ۱۷ آرمان مد نظر جامعه بین‌المللی خواستار اقدام جهانی برای تحقق آنها تا سال ۲۰۳۰ شده است. اینکه این سازمان تا چه حد در تحقق بسیج جهانی برای نیل به این آرمان‌ها موفق خواهد بود، در آینده معلوم می‌شود و در هر حال از موضوع بحث ما خارج است؛ اما به نظر می‌رسد آثار مستقیم و غیرمستقیم کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت، حداقل با برخی از این آرمان‌ها از جمله آرمان دوم (محو‌گرستگی)، آرمان سوم (تضمین زندگی سالم و ترویج رفاه برای همه)، آرمان ششم (تضمین در دسترس بودن و مدیریت پایدار آب و تأسیسات بهداشتی برای همه) و

آرمان یازدهم (امن و پایدار نمودن شهرها و اماکن اسکان بشری) در تعارض باشد: Wille, 2016)

2. بنابراین اگر در جامعه بین‌المللی عزم جزمی برای تحقق آرمان‌های توسعه پایدار وجود دارد، منع مطلق کاربرد تسلیحات انفجاری در مناطق پرجمعیت باید در دستور کار قرار گرفته شود.

منابع

الف (فارسی

کتاب‌ها

- دورمن، کنوت (۱۳۹۳)، عناصر جنایات جنگی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ترجمه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران: مجد
- هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس (۱۳۸۷)، حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، جلد اول، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران: مجد

مقاله

- زمانی، سیدقاسم و رفیعی، سیدرضا (۱۳۹۲)، کاربرد سلاح‌های حاوی اورانیوم ضعیف شده از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۹، صص ۳۵-۶۰، تهران: مرکز امور حقوقی بین‌المللی

ب) انگلیسی

Books

- Action on Armed Violence (AOAV) (2016), Unacceptable Harm, Oslo: Government of Norway
- Bothe, Michael, Partsch, Karl Josef and A.Solf, Waldemar (2013), New Rules for Victims of Armed Conflicts, Leiden: Martinus Nijhoff Publishers
- Cross, Kenneth, Dullum, Ove, Jenzen-Jones, N.R. and Garlasco, March (2016), Explosive Weapons in Populated Areas, Australia: Armament Research Services
- ICRC (2015), Expert Meeting on Explosive Weapons in Populated Areas: Humanitarian, Legal, Technical and Military Aspects, Geneva: ICRC
- Sandoz, Yves, Swinarski, Christophe and Zimmermann, Bruno (1987), Commentary on Additional Protocols, Geneva, ICRC

Articles

- Brehm, Maya (2014), "International Humanitarian Law and the Protection of Civilians from the Effects of Explosive Weapons", in Harvey, Caroline, Summers, James and D.White, Nigel (eds), Contemporary Challenges to the Laws of War, pp. 235-267, Cambridge: Cambridge University Press
- Durhin, Nathalie (2016), "Protecting Civilians in Urban Areas: A Military Perspective on the Application of International Humanitarian Law", International Review of the Red Cross, Vol. 98, no. 901, pp. 177-201.
- Evans, Michael (2016), "Future War in Cities: Urbanization's Challenge to Strategic Studies in the 21st Century", International Review of the Red Cross, Vol. 98,

no. 901, pp. 37-53.

- Gisel, Laurent (2015), "The Use of Explosive Weapons in Densely Populated Areas and The Prohibition of Indiscriminate Attacks", in Greppi, Edoardo (ed), *Conduct of Hostilities: The Practice, the Law and the Future*, pp. 100-115, San Remo: FrancoAngeli

- Jensen, Eric Talbot (2016), "Precautions against the Effects of Attacks in Urban Areas", *International Review of the Red Cross*, Vol. 98, no. 901, pp.147-177.

- Lucard, Malcolm (2016), "Humanity Under Fire", *The Magazine of the International Red Cross and Red Crescent Movement*: <http://www.rcremagazine.org/2016/09/humanity-under-fire/>

- Robinson, Isabel and Nohle Ellen (2016), "Proportionality and Precautions in Attack: The Reverberating Effects of Using Explosive Weapons in Populated Areas", *International Review of the Red Cross*, Vol. 98, no. 901, 107-147.

- Strachan, Hew (2011), "The Changing Character of War", in Haug, KE and Maa, OJ (eds), *Conceptualizing Modern War*, pp. 1-28, New York: Columbia University Press

- Watkin, Kenneth (2016), "Military Advantage: A matter of Value, Strategy and Tactics...", in D.Gill, Terry (ed), *Yearbook of International Humanitarian Law*, Vol. 17, pp. 277-365, Amsterdam.Breda: T.M.C. Asser Press

- Wille, Christina (2016), "The Implications of the Reverberating Effects of Explosive Weapons Use in Populated Areas for Implementing the Sustainable Development Goals", UNIDIR: <http://www.inew.org/site/wp-content/uploads/2016/04/ewipa-and-the-sdgs-en-651.pdf>

- Zeitoun, Mark and Tlhami Michael (2016), "The Impact of Explosive Weapons on Urban Services: Direct and Reverberating Effects Across Space and Time", *International Review of the Red Cross*, Vol. 98, no. 901, pp. 53-71.

Documents

- Draft Convention for the Protection of Civilian Population against New Engines of War, Amsterdam 1938.

- ICRC Factsheet, June 2016, Explosive Weapons in Populated Areas

- ICRC News Release, 13 June 2017, Yemen: Health system at breaking point as cholera spreads at unprecedented rate

- ICRC Report, October 2011, *International Humanitarian Law and the Challenges of Contemporary Armed Conflicts*, 31IC/11/5.1.2

- ICRC Report, October 2015, *International Humanitarian Law and the Challenges of Contemporary Armed Conflicts*, 32IC/15/11

- Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Mines, Booby-traps and other Devices (Protocol II to the 1980 Convention on Certain Conventional Weapons) as amended on 3 May 1996.

- Report of the detailed findings of the Independent Commission of Inquiry established pursuant to Human Rights Council Resolution S-21/1, 22 June 2015, A/HRC/29/CRP.4

- Report of the Secretary General for the World Humanitarian Summit, 2 February 2016, A/70/709

- Report of the Secretary General on Children and Armed Conflict, 20 April 2016, A/70/836 – S/2016/360
- Report of the Secretary General on the Protection of Civilians in Armed Conflict, 13 May 2016, S/2016/447
- Report of the Secretary General on the Protection of Civilians in Armed Conflict, 22 May 2012, S/2012/376
- Rules Concerning the Control of Wireless Telegraphy in Time of War and Air Warfare, The Hague, 1923.
- UNGA Resolution, 21 October 2015, Transforming our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development, A/RES/70/1
- UNICEF UK Report, 2016, Keeping Children Safe in Emergencies
- UNOCHA Policy Report, 2015, Protecting Civilians from the use of Explosive Weapons in Populated Areas.

Cases

- ICJ, Advisory Opinion on Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996.
- ICTY, Prosecutor v. Milan Martić, Case No. IT-95-11-T, Trial Chamber Judgment, 12 June 2007
- ICTY, Prosecutor v. Stanislav Galic, Case No. IT-98-29, Trial Chamber Judgment, 5 December 2003.

Web-Sites

- <http://www.inew.org/learn-more-about-inew#inew-member-material>
- <https://ihl-database.icrc.org/ihl>
- <https://www.icrc.org/en/explosive-weapons-populated-areas>
- www.reuters.com/article/us-yemen-security-damagesidUSKCN10R2B7
- www.worldbank.org/en/news/speech/2016/04/14/transcript-world-bank-group-president-jim-yong-kim-opening-press-conference.